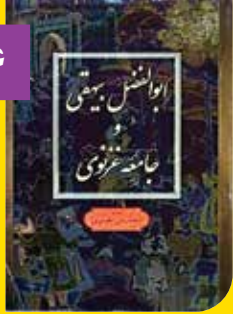


ابوالفضل بیهقی و جامعه غزنوی



■ نویسنده:
احسان طبری
■ ۱۶۸ صفحه
■ انتشارات فردوس

نویسنده با نگارش این کتاب دست به تحقیقی همه‌جانبه درباره اوضاع جامعه ایران در دوران غزنویان زده است و با تکیه بر اسناد ارائه‌شده در تاریخ بیهقی، تلاش می‌کند خواننده امروزی را با زبانی به مراتب ساده و دست‌یافتنی با پیشینه تاریخی نیاکان خود آشنا کند. این اثر نه تنها به نقد و معرفی اثر بیهقی می‌پردازد، بلکه با کندوکاو در متن تاریخ بیهقی به تناقض‌های شغلی بیهقی نیز اشاره می‌کند.

جامعه ایران در دوران رضاشاه پهلوی



■ نویسنده:
احسان طبری
■ ۲۰۰ صفحه

انتشارات فردوس این اثر را بر مبنای مدارک و شواهدی که از گذشته به‌جا مانده، یک تجزیه و تحلیل تاریخی و اجتماعی از وقایع و وضعیت «جامعه ایران در دوران رضاشاه پهلوی» ارائه می‌کند و تغییر و تحولات متعددی که در این دوره و با پشت سر گذاشتن عصر قجر در ایران رخ داد، مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده ضرورت و لزوم اجرای این تغییر و تحولات را نیز زیر ذره‌بین برده و قصد و هدف افرادی که آنان را پی‌ریزی کرده بودند، مورد ارزیابی قرار داده است.

درباره انسان و جامعه انسانی



■ نویسنده:
احسان طبری
■ ۱۹۲ صفحه
■ انتشارات فردوس

احسان طبری در مقدمه کتاب می‌نویسد: تاریخ به سخن مارکس، دوست دارد باده تکامل را در کاسه سر شهیدان بیاشامد. چه باید کرد؟ سرپای طبیعت چنین است و هنوز تا انسانی شدن انسان، انسانی شدن تاریخ و انسانی شدن کیهان راهی بس دراز و دشوار و احیاناً خشن و بی‌رحم در پیش است. هنوز خدایان سرنوشت، قربانی انسانی می‌طلبند و آن هم از میان جوانان، خواه در جنگ‌ها و خواه در انقلاب‌ها.

و استدلال آنان را مبنی بر رد نظریه مارکسیستی-لنینیستی «پایان‌ناپذیری» و «بی‌نهایت بودن» ماده پذیرفت. «محتوای این کتاب‌ها، ردیه‌ای بر فعالیت‌ها و عقاید اجتماعی و سیاسی اوست که در نوشته‌ها درباره مارکس و مارکسیسم است، کتاب کزراه درباره اندیشه مارکسیستی در ایران است و به همین خاطر پرمهرن است که اهمیت کتاب کزراه بیش از کتاب شناخت و سنجش مارکسیسم است. به همین دلیل ما در ادامه به بررسی و معرفی این کتاب از احسان طبری خواهیم پرداخت.

گفتیم که کتاب کزراه خاطرات و دیدگاه‌های احسان طبری است. این را هم گفتیم که او در اوایل دهه شصت به همراه تعدادی دیگر از رهبران این حزب دستگیر شد. اما عجیب‌تر از دستگیری، درخواستش در زمان بازداشت بود که احتمالاً خیلی‌ها را متعجب کرد؛ درخواست ملاقات با علامه محمدتقی جعفری. مفسر بزرگ مارکسیسم و عضو کادر مرکزی حزب، درخواست ملاقات با یکی از فقهای مسلمان و روحانیون حوزه را داده بود. علامه جعفری به دلایلی به این درخواست احسان طبری پاسخ منفی داد. طبری اما مصر بود و از درخواستش کوتاه نمی‌آمد. در نهایت ملاقاتی صورت گرفت. تاریخ می‌گوید یک روز صبح بود که طبری را به منزل علامه جعفری بردند. جلسه‌ای که تا ظهر طول کشید. از جزئیات این جلسه هیچ اطلاعی در دست نیست. نه علامه جعفری تا زمان درگذشت چیزی از آن ملاقات بر زبان آورد، نه طبری. بسیاری از مواضع بعدی احسان طبری متعجب شدند. اما عبدالکریم سروش در یک مصاحبه، خاطره‌ای از دیدارش با طبری در مناظرات تلویزیونی بیان می‌کند و سپس اشاره‌ای به این دیدار مخصوص می‌کند و می‌گوید: «یک بار دیگر احسان طبری را دیدم و آن شبی از شب‌های ماه رمضان - سال ۶۳- بود که وی را از زندان به خانه مرحوم محمدتقی جعفری آوردند و مرا هم بدان مجلس فراخواندند. حال و روز خوشی نداشت و دهان و فکاش گویا شکسته یا کج شده بود. جعفری می‌خواست با وی مجامه کند، اما من مطلقاً خوش نداشتم که با اسیری در بحث شوم، و نشدم. یک‌بار که آقای جعفری سخنی در نقد شوروی گفت، احسان تکانی خورد و دفاعی غیورانه کرد.»

در ارزیابی نهایی می‌توان گفت که کتاب کزراه، یک سند زنده افشاگری سیاسی-تاریخی است که مندرج در تحت خاطرات طبری تکوین پیدا کرده است. انتشار این اثر بازتاب وسیعی در داخل و خارج کشور داشت و آنچه را که تا مدت‌ها به عنوان «اسرار» درون حزب توده شمرده می‌شد، در سطح افکار عمومی انتشار داد. ناشر کتاب بر آن است که «طبری از دامان الحاد مارکسیستی به آغوش سرمایه‌داری غرب نیفتاد، بلکه در واپسین سال‌های عمر خود کوشید «آرامش روح» را در وطن اسلامی خود و با رجعت به وجدان و فطرت مذهبی-اسلامی جست‌وجو کند.» انتشار کزراه صدها پرسش را در ذهن علاقه‌مندان و پیروان مارکسیسم پدید آورد و تکاپوی جدی در آنان برای شناخت گذشته خود پدید ساخت. نخستین و مستقیم‌ترین بازتاب این ضربه روانی-سیاسی به صورت افشاگری‌های ایرج اسکندری (از اعضای ۵۳ نفر و حزب توده) نمود یافت. هر چند اسکندری در افشاگری‌هایش هدف کینه و اتهام خود را طبری قرار داد، زیرا طبری در کزراه سهم قابل توجهی به افشای او به عنوان یکی از چهره‌های مهم تاریخ حزب توده اختصاص داده بود، ولی او با خاطرات سیاسی خود در واقع صحت، امانت و صداقت خاطرات طبری را مستند ساخت.



طبری با شروع نزاع‌های ایدئولوژیک، دستگیر و زندانی شد و سپس در مجموعه مصاحبه‌هایی تلویزیونی شرکت کرد و از کارها و عقاید گذشته خود ابراز ندامت و اندیشه خود را نفی کرد. شکست فکری طبری موجب شکست سیاسی حزب توده نیز شد و باعث شد که این حزب برای همیشه از صحنه سیاسی ایران حذف شود. بسیاری معتقدند که آنچه زنگ پایان حزب توده را به صدا درآورد، همین اعترافات تلویزیونی و سپس ابراز ندامت‌ها و انکارهای مکتوب احسان طبری بود. چه اینکه پس از تقی ارانی، احسان طبری، پیامبر ایدئولوژیک حزب توده قلمداد می‌شد که نوشته‌هایش قانون اساسی جنبش چپ در ایران بود

ویران ساخت. درست زمانی که احسان طبری در مصاحبه تلویزیونی خود اعلام کرد که در اثر مطالعه کتاب‌های علامه طباطبایی و استاد مرتضی مطهری به اسلام گرویده است، طومار حزب توده از منظر فکری درهم پیچیده شد و زمانی که کتاب «کزراه» و سپس «شناخت و سنجش مارکسیسم» را منتشر کرد، حزب توده از لحاظ سیاسی نیز کاملاً بی‌آبرو شد و جز نامی از آن در دل بایگانی‌ها و آرشیوهای تاریخی نماند. از خود احسان طبری با آن همه ابهت و مرتبه علمی نیز چیزی باقی نماند. تا جایی که رسول ایدئولوژیک حزب توده دست از همه اعتقادات خود می‌شویید و در صفحه اول کتاب «شناخت و سنجش مارکسیسم» می‌نویسد که با راهنمایی در زندان به دین اسلام گرویده است. اما اهمیت کتاب‌های «کزراه» و «شناخت و سنجش مارکسیسم» چیست؟ کتاب «کزراه» خاطرات تاریخ حزب توده است که ابتدا در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. احسان طبری در این خاطرات ضمن ارزیابی انتقادی حوادث و وقایع مشخص و روزمره و فرازونشیب‌های حزب توده و زندگی سران آن در ایران و خارج از کشور، عملکردها و سیاست‌های حزب در داخل کشور و نقش اتحاد جماهیر شوروی سابق و بسیاری از رویدادها و تحولات تاریخ معاصر ایران را که به نوعی با حزب توده مرتبط بوده، بررسی کرده است. مهم‌ترین سرفصل‌های کتاب شامل، ادوار زندگی حزب توده، پیدایش حزب توده، انشعاب خلیل ملکی، واقعه تیراندازی به شاه، شوروی آن‌گونه که من دیدم، وضع رهبری و تشکیلات حزب توده در دوران مصدق و دولت زاهدی، انشعاب مانوئیست‌ها، حزب توده و مناسبات بین‌المللی، وضع رهبری حزب توده در آستانه انقلاب اسلامی، برخی مختصات اخلاقی رهبران عمده حزب توده و مباحث دیگر. صفحات پایانی کتاب به فهرست توضیحی اعلام اختصاص یافته است. چندی پیش این کتاب پس از سال‌ها با مقدمه‌ای تازه، در ۳۷۶ صفحه و در قطع رقعی توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. کتاب شناخت و سنجش مارکسیسم نیز اثری دیگر از احسان طبری درباره کارل مارکس و تفکرات مارکسیستی است. طبری که پیش از دستگیری و تغییر عقیده تنها راه خارج شدن از جهل را آشنایی با مارکسیسم می‌دانست، در این کتاب که پس از دستگیری به رشته تحریر درآورد، به معرفی و در واقع پرده‌برداری از تفکرات دانشمندان بزرگ این مکتب پرداخته است. این کتاب نیز همانند کتاب کزراه در انتشارات امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی که در دهه شصت بازوی تولیدات عقیدتی نظام جمهوری اسلامی بود، تهیه و منتشر شد.

ناشر کتاب‌های طبری در دهه شصت ضمن ابراز رضایت و ستایش از تغییر موضع احسان طبری و رد مارکسیسم، در یکی از مقدمه‌هایی که بر کتاب شناخت و سنجش مارکسیسم نوشته، این چنین چهره جدید احسان طبری را معرفی می‌کند: «با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، طبری به میهن بازگشت. میهنی که در آن خورشید انقلاب اسلامی ایران درخشیده بود و «شعاع سوزان» آن «تندیس‌های یخ بسته» خودگرایی نظری و فردی را می‌گذاخت. در دوران پس از انقلاب، طبری به کار فکری اشتغال داشت و بیشتر در مباحث نظری و فلسفی غرق بود. در این دوران، بینش طبری به تدریج از «مارکسیسم رسمی» بیشتر فاصله گرفت و به ارائه مطالبی پرداخت که در زمان خود در «محل بسته» جنبش چپ در ایران پژواک یافت و نوعی «ارتداد» از اندیشه مارکسیستی تلقی شد. اوج این شهرت زمانی بود که در میزگرد تلویزیونی تقابل اندیشه نظری مارکسیسم با برخی متفکران معاصر اسلامی طبری از محدودیت جهان مادی سخن گفت